



ارائه روشی جهت تعیین اندازه بافرها در حوزه زمان بندی زنجیره بحرانی (مطالعه موردی: شرکت سولیران)

محمد مهدی توقع همدانی (نویسنده مسؤل)

کارشناس ارشد مدیریت صنعتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

Email: m.tavagho@gmail.com

احمد ماکوئی

دانشیار دانشکده مهندسی صنایع دانشگاه علم و صنعت

تاریخ دریافت: ۹۰/۲/۲۰ * تاریخ پذیرش: ۹۰/۷/۷

چکیده

زنجیره بحرانی رویکردی نوین در حوزه مدیریت پروژه می باشد که به منظور رفع اثرات نامطلوب پروژه ها و علل بروز آنها، افزایش کارایی منابع و بهره برداری از محدودیتهای سیستم پروژه توسعه یافته است. بر مبنای این رویکرد و به منظور ایمن کردن پروژه در مقابل اختلالات احتمالی، بافرهای زمانی در محل های مختلف تعیین می شود. بنابراین از انتقال تنشهای فعالیتهای غیر بحرانی به زنجیره بحرانی و همچنین انتقال تنشهای فعالیتهای زنجیره بحرانی به زمان تحویل پروژه جلوگیری می شود. در این مقاله روشی جهت تعیین اندازه بافرها در حوزه زمان بندی زنجیره بحرانی ارائه شده که از جمله ویژگی های آن اعمال نظر خبرگان در مراحل کار و سادگی اجرا می باشد. مفاهیم مطرح شده در این روش نزدیک به روش پرت می باشد با این تفاوت که در این روش تابع توزیع احتمال زمان فعالیتها براساس نظرات خبرگان بدست آمده است. در پایان جهت ارزیابی روش پیشنهادی، زنجیره بحرانی جهت پروژه طراحی، ساخت و نصب سازه ای فولادی در شرکت سولیران به اجرا درآمد. اندازه بافرها با استفاده از دو روش شناخته شده در ادبیات موضوع (روش بریدن و چسباندن و روش ریشه مربع خطا) و روش پیشنهادی محاسبه گردید. نتایج بدست آمده مبین آن است که روش ارائه شده در مقایسه با دو روش مذکور بافرهایی با محافظت بیشتر در برابر تأخیرهای احتمالی پروژه ایجاد می کند.

واژه های کلیدی: زمان بندی پروژه^۱، زنجیره بحرانی^۲، روشهای تعیین اندازه بافر^۳، شرکت سولیران.

^۱.Project Scheduling

^۲.Critical Chain

^۳.Buffer Sizing Methods.

۱- مقدمه

مهمترین تفاوت بین زمان بندی زنجیره بحرانی با روشهای مدیریت پروژه سنتی در چگونگی مدیریت کردن عامل عدم قطعیت در پروژه ها می باشد. در روشهای سنتی برنامه ریزی و زمان بندی پروژه، عامل عدم قطعیت با افزایش دادن مدت زمان فعالیتها، شروع فعالیتها در زودترین زمان ممکن، انجام همزمان چندین فعالیت و تمرکز بر روی تاریخهای تعیین شده، مدیریت می شود. اما در روش زنجیره بحرانی، عدم قطعیت با توجه به موارد ذیل مدیریت می شود:

الف) استفاده از تخمین های میانگین برای مدت زمان هر فعالیت.

ب) زمان بندی رو به عقب از موعد تحویل.

ج) قراردادن بافرهای تجمعی در برنامه پروژه به منظور حفاظت از تأخیر کل پروژه و فعالیتهای کلیدی.

د) استفاده از مدیریت بافرها برای کنترل برنامه زمان بندی.

برای ایمن کردن پروژه در مقابل اختلالات احتمالی، بافرهای زمانی در محل های مختلف تعبیه می شود تا از انتقال تنشهای فعالیتها غیر بحرانی به زنجیره بحرانی و همچنین انتقال تنشهای فعالیتها زنجیره بحرانی به زمان تحویل پروژه جلوگیری کنند. این بافرها عبارتند از: بافر پروژه^۴، بافر تغذیه^۵ و بافر منبع^۶. بافرهای تغذیه کننده به تمام مسیریایی که در زنجیره بحرانی قرار دارند افزوده می شوند تا از ایجاد تأخیرهایی که در این مسیرها بر روی زمان شروع فعالیتها ایجاد می شود جلوگیری کنند؛ این مسیرها، مسیرهای تغذیه ای نامیده می شوند. بافر پروژه به انتهای زنجیره بحرانی افزوده می شود تا از تاریخ تحویل پروژه حفاظت کند. بافرهای منبع به وسیله سیستم های اخطار دهنده یا یادآوری کننده شناخته می شوند که از آماده بودن منابع در زمانی که یک فعالیت بحرانی به منابع نیاز دارد مطمئن می شود؛ برخلاف بافرهای پروژه و تغذیه کننده، بافرهای منبع باعث تغییر زمان برنامه ریزی شده پروژه ها نمی شود. (Goldratt, 1997)

- پیشینه تحقیق

در سال ۱۹۹۷ م. گلدرت کتابی با عنوان "زنجیره بحرانی" منتشر ساخت. این کتاب در برگزیده عقاید و نظرات گلدرت در مورد علل زمان بندی ناموفق پروژهها، محدودیت های پروژه و بکارگیری فرآیند تفکر تئوری محدودیت ها در مدیریت پروژه می باشد. بدنبال آن، رابطه بین ایده های تئوری محدودیتها و رویکرد های زمان بندی پروژه در چندین مقاله و کتاب مورد بحث قرار گرفته است. رند^۷ (۲۰۰۰) در مقاله خود تئوری محدودیتها را مرور می کند و تفاوت های بین مسیر بحرانی و زنجیره بحرانی را عنوان می کند. لیچ^۸ (۲۰۰۵) در کتابش شرح جامعی از رویه کاربرد زنجیره بحرانی ارائه می دهد. او همچنین مدیریت بافرها را شرح می دهد و روش ریشه مربع خطا را برای اندازه گیری بافرها ارائه می دهد. وی ادعا می کند که بافرها یک نوع تجمع از ریسک هستند که در زنجیر و وقایع پیش نیازشان با آنها برخورد می کنیم. وی به دنبال آن روشهای بریدن و چسباندن و ریشه مربع خطا را شرح می دهد و عنوان می کند که در عمل نیازی به یک متد علمی برای تعیین اندازه بافرها نیست بلکه اندازه بافرها باید به مقدار کافی خوب باشد و می باید بر پایه دید شهودی ما نسبت به ریسک تعیین شود. اما هرولن^۹ و همکاران (۲۰۰۲) با ادعای نیوبولد بر مبنای ساده سازی اجرای زنجیره بحرانی مخالفت می کنند.

هرولن و لئوس (۲۰۰۱) در مقاله خود در مورد نقاط قوت و ضعف زمان بندی زنجیره بحرانی و تجارب استفاده از مکانیزم این زمان بندی نظر داده اند. نویسندگان آزمایش را بر روی مجموعه داده های پاترسون^{۱۰} انجام دادند تا عواملی را که بر روی عملکرد یک پروژه تأثیر می گذارد، شناسایی کنند. در کل آنها گزارش کردند که نگه داشتن فعالیت های زنجیره بحرانی در

⁴ Project Buffer

⁵ Feeding Buffer

⁶ Resource Buffer

⁷ Rand

⁸ Leach

⁹ Herroelen

¹⁰ Patterson

سریها باعث افزایش طول پروژه می شود در حالی که به روز کردن منظم مبنای زمان بندی (زمان بندی اصلی برنامه ریزی شده با آنچه در اجرا اتفاق افتاده، مقایسه می شود) باعث کاهش آن می شود. آنها همچنین نتایج ایجاد طرح های اولیه را با استفاده از روش انشعاب و تحدید با روش های ابتکاری مقایسه کردند و به این نتیجه رسیدند که بهتر بودن زمان بندی مبنای اولیه، باعث بهبود عملکرد کلی پروژه می شود. تجربه آنها با تکنیک های اندازه گیری بافر نشان داد که روش بریدن و چسباندن ممکن است اندازه بافر های پروژه را بیش از اندازه بزرگ تخمین بزند. این تحقیق اولین تحقیق نظری تشریحی از زنجیره بحرانی و مفاهیم آن می باشد، و نشان دهنده نیاز بیشتر برای کار نظری در مورد مبنای زمان بندی و روش های اندازه گیری بافر ها می باشد. غیمی (۱۳۸۲) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان " کاربرد تئوری محدودیتها در مدیریت پروژه: زمانبندی زنجیره بحرانی و مدیریت بافرها" به بیان کاربرد تئوری محدودیت ها در مدیریت پروژه پرداخته و زنجیره بحرانی و مدیریت بافر ها را شرح می دهد. وی به دنبال آن روشهای بریدن و چسباندن و ریشه مربع خطا را شرح داده و روشی بر مبنای روش پرت ارائه می دهد. مقاله المغربی^{۱۱} و همکاران (۲۰۰۳) دیدگاه های جالبی در خصوص استفاده از تئوری محدودیتها و زمان بندی پروژه با منابع محدود مطرح می کند. علاوه بر مطالب عنوان شده، هرولن و لئوس (۲۰۰۴) ادبیات زمان بندی مبنای مرور و در مورد رویه ایجاد زمان های مناسب بحث می کنند. فلاح و همکاران (۲۰۱۰) جهت تعیین اندازه بافرها روشی بر مبنای توزیع لگ نرمال ارائه می دهند. کریا^{۱۲} و آبرو^{۱۳} (۲۰۱۱) در مقاله خود به بررسی مزایا و معایب زنجیره بحرانی در مقایسه با روش سنتی پرداختند. اکسیانو^{۱۴} و پن^{۱۵} (۲۰۱۱) به بررسی مشکلات زنجیره بحرانی پرداخته و استفاده از تئوری صف به منظور تعیین اندازه بافر را پیشنهاد می دهند.

- رویکرد زنجیره بحرانی

زنجیره بحرانی متشکل از مجموعه ای از فعالیتها می باشد که با در نظر گرفتن وابستگی بین فعالیتها و محدودیت منابع، مدت زمان کلی پروژه را تعیین می کنند. برای شناسایی زنجیره بحرانی، باید شنواری فعالیتها محاسبه گردد. در روشهای سنتی زمان بندی پروژه، شنواری مدت زمانی است که یک فعالیت می تواند به تعویق بیفتد و یا مدت زمانش طولانی تر شود و این زمان، در زمان بندی نهایی دخالت داده می شود. اما در روش زنجیره بحرانی از آنجائیکه تمام فعالیتها در دیرترین زمان ممکن زمان بندی شده اند، مفهوم شنواری نسبت به قبل متفاوت است. در این روش، شنواری مدت زمانی است که یک فعالیت به لحاظ تکمیل فعالیتها پیش نیاز و در دست بودن منابع می تواند زودتر تمام شود. البته این زمان شنواری هرگز در زمان بندی نهایی پروژه دخالت داده نمی شود، بلکه محاسبه آن به دو منظور انجام می گیرد: اول تعیین زنجیره بحرانی و دوم تعدیل اندازه بافر تغذیه پس با توجه به تعریف شنواری در روش زنجیره بحرانی، فعالیتهای زنجیره بحرانی آنها می هستند که شنواری آنها صفر باشد. فرآیند شناسایی زنجیره بحرانی:

قدم ۱: برای هر فعالیت تخمین زمان ۵۰٪ را محاسبه کنید.

قدم ۲: تمام فعالیت ها را با توجه به رابطه پیش نیازی به صورت "دیرترین زمان ممکن" در نظر بگیرید.

قدم ۳: همزمانی استفاده از منابع را با استفاده از دوباره مرتب کردن فعالیت ها حذف کنید.

تداخل منابع می تواند با استفاده از هر یک از روشهای ابتکاری حل مسأله همانند روش انشعاب و تحدید برداشته شود.

قدم ۴: زنجیره بحرانی را بعنوان بلندترین زنجیره اتفاقات وابسته برای زمان بندی ممکن که در مرحله ۳ وجود داشت شناسایی کنید.

قدم ۵: بافر پروژه را به انتهای زنجیره بحرانی اضافه کنید.

قدم ۶: بافرهای تغذیه کننده را در هر جایی که فعالیتها غیر بحرانی، زنجیره بحرانی را تغذیه می کنند (پیش نیاز آن می شوند) اضافه و فعالیتها را با استفاده از اندازه بافر برای روی زنجیره تغذیه کننده تنظیم کنید.

¹¹ Elmaghraby

¹² Correia

¹³ Abreu

¹⁴ Xiao-ping

¹⁵ Pan

نیوبولد و لیچ چند قدم اضافی را پیشنهاد می دهند که برای بهبود کیفیت زمان بدست آمده می توان از آنها استفاده کرد. برای مثال نیوبولد (۱۹۹۸) پیشنهاد می دهد که اگر منابع موجود هستند، در این صورت زمان فعالیتهای بحرانی می باید بوسیله اختصاص منابع بیشتر به آنها کوتاه شود. لیچ نیز پیشنهاد می دهد که بعد از افزودن بافرهای تغذیه کننده فعالیتها می باید دوباره مرتب شوند تا تداخل منابعی که به خاطر افزودن این بافرها ایجاد شده حل شود (Leach, 2005). در مقابل، گلدرت مرتب سازی فعالیتها را در مرحله برنامه ریزی بعد از افزودن بافر پیشنهاد نمی دهد و با اصلاح زنجیره بحرانی وقتی که بافرهای تغذیه کننده باعث اضافه شدن زمان پروژه می شوند مخالف است. (Goldratt, 1997) به عبارت دیگر وی معتقد است که اجرای موفق، مهم تر از داشتن یک برنامه دقیق و قدم به قدم است.

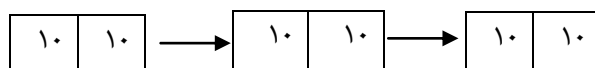
- رویکردهای تعیین اندازه بافر:

به طور کلی بافرها در نتیجه حذف زمانهای اطمینان از هر فعالیت و اجتماع آنها در انتهای زنجیره بحرانی و یا مسیر تغذیه ایجاد می شوند. شاید تصمیم در خصوص اندازه بافر را بتوان مهمترین قدم زمان بندی زنجیره بحرانی دانست، چون اگر اندازه بافرها کوچک در نظر گرفته شود، به کرات نیازمند زمان بندی مجدد خواهیم بود و مسلماً نسبت به مشتریان نیز بدقول خواهیم شد و همین طور اگر اندازه آنها بیش از اندازه بزرگ لحاظ شود، خود به خود تمام مفاهیم مورد استفاده در این زمان بندی نقض شده، سبب بالارفتن حجم کار در جریان ساخت می شود. در اینجا تجربه مدیر پروژه و مهارتهای مدیریت بافر در خصوص اندازه بافرها بسیار حائز اهمیت است. با این وجود ایجاد بافرها با استفاده از روشهایی که تغییرات آماری را مد نظر قرار می دهند همانند ویژگی های پروژه، به مدیر پروژه این اجازه را می دهند که کنترل بهتری بر روی پروژه داشته باشند. در ادبیات موضوع تنها دو روش ساده برای تعیین اندازه بافرها وجود دارد: روش بریدن و چسباندن و روش ریشه مربع خطا به علاوه تنها نتیجه علمی گزارش شده در ادبیات در مورد اثر این روشها بر عملکرد پروژه، تحقیق هرولن و لئوس^{۱۶} (۲۰۰۱) است. در مطالعه آنها گزارش شده که روش بریدن و چسباندن، بافرها را بیش از اندازه بزرگ تخمین می زند، در حالی که روش ریشه مربع خطا برای پروژه های بزرگتر بهتر عمل می کند. در این قسمت ابتدا ۲ روش مذکور در اندازه گیری بافرها مرور می شود سپس روشی پیشنهاد خواهد شد که انتظار می رود موجب افزایش احتمال اتمام پروژه در موعد مقرر در مقایسه با این دو روش شود.

- روش بریدن و چسباندن:

گلدرت در مورد مدت زمان فعالیتها، پیشنهاد می کند که برای بدست آوردن این زمان میانگین مدت زمان ارائه شده توسط افراد را به نصف کاهش دهیم. وی در مورد اندازه بافرها معتقد است که اندازه بافرها باید برابر نصف زنجیره قبل از آن باشد. یعنی بافر پروژه باید به اندازه نصف طول زنجیره بحرانی و یا نصف مدت زمان کل پروژه در نظر گرفته شود. همچنین اندازه بافرهای تغذیه که ما را از اتمام به موقع فعالیتهای زنجیره های غیر بحرانی مطمئن می کند نیز با استفاده از این روش تعیین می شود.

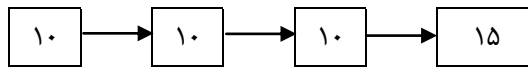
زنجیره تغذیه کننده با ۳ فعالیت در شکل شماره (۱) نشان داده شده است:



شکل شماره (۱): زنجیره تغذیه کننده

تخمین احتیاطی هر فعالیت ۲۰ روز در نظر گرفته شده است. اگر ۵۰٪ از هر فعالیت برداشته شود، زمان تخمینی متوسط هر فعالیت برابر ۱۰ روز می شود. جمع قسمتهای ایمنی که بریده شده ۳۰ روز است. پس نصف آن ۱۵ روز خواهد شد. پس روش مذکور پیشنهاد می دهد ۱۵ روز را به عنوان بافر تغذیه کننده به انتهای این زنجیره تغذیه کننده اضافه شود. که در شکل شماره (۲) قابل مشاهده است.

¹⁶Herroelen and Leus



شکل شماره (۲): اضافه کردن بافر تغذیه کننده به انتهای زنجیره

مزیت بارز این روش سادگی آن می باشد. در عین حال این روش یک روش خطی بوده، به طوری که با افزایش زمان زنجیره بحرانی میزان بافر بصورت خطی افزایش می یابد. در بسیاری از موارد بافر بدست آمده از این روش بیش از حد مورد نیاز جهت محافظت از پروژه بوده که می تواند باعث از دست دادن موقعیت های تجاری و عدم رقابتی بودن زمانهای پیشنهادی شود. این روش برای محیط های پروژه ای همانند توسعه محصول جدید پیشنهاد نمی شود.

ب- روش ریشه مربع خطا

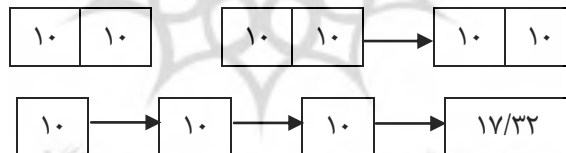
شبیه روش بریدن و چسباندن این روش نیز از دو تخمین زمانی برای هر فعالیت بر روی زنجیره تغذیه کننده استفاده می کند: تخمین احتیاطی و تخمین متوسط. (Newbold, 1998) تخمین احتیاطی با (s) و تخمین متوسط با (d) نمایش داده می شود. در این روش اختلاف بین دو تخمین به عنوان میزان عدم قطعیت و یا خطا در تخمین کوچکتر تلقی می شود و با (u) نمایش داده می شود. پس عدم قطعیت هر فعالیت مطابق فرمول شماره (۱) محاسبه می شود:

$$1) U = s - d$$

برای هر زنجیره از فعالیتها ارزشهای خطای یا U_i های هر فعالیت جهت محاسبه خطای مدت زمان زنجیره کلی و یا میزان بافر مورد نیاز زنجیره مورد استفاده قرار می گیرند این خطای کلی طبق فرمول شماره (۲) بدست می آید:

$$2) Buffer\ Size = \sqrt{U_1^2 + U_2^2 + \dots + U_n^2}$$

پیشنهاد شده است در حالاتی که کمتر از چهار فعالیت در زنجیره تغذیه کننده وجود دارد بافر می بایستی حداقل برابر طولانی ترین فعالیت در این زنجیر باشد (Tukel, 2004).
با بکار بردن مثالی مشابه مثال روش قبل، اندازه بافر ۱۷/۳۲ بدست خواهد آمد.



$$s_i = 20, \quad d_i = 10, \quad U_i = (20 - 10) = 10$$

مزیت این روش نسبت به روش پیشنهادی گلدرت، رفع خطی بودن مدل محاسبه میزان بافرها می باشد، اما همانطور که قابل ملاحظه است این روش نیز از لحاظ آماری دارای اعتبار نمی باشد. در حقیقت این روش فقط از فرض عدم وابستگی بین فعالیتها استفاده کرده و با اقتباس از فرمول محاسبه واریانس مجموع چند متغیر تصادفی مستقل فرمول فوق را ارائه کرده است.

۲- مواد و روشها

در این تحقیق مبنای تعیین اندازه بافر بر این قرار گرفته است که: طول بافر به میزان ریسک زنجیره قبل از آن بستگی دارد و میزان ریسک زنجیره قبل از بافر هم به میزان ریسک فعالیت های آن زنجیره بستگی خواهد داشت. پس در این صورت با در اختیار داشتن تابع توزیع احتمال زمان هر فعالیت می باید طول بافر را به اندازه ای تعیین کنیم که به احتمال مورد دلخواه، فعالیت های زنجیره قبل از آن در آن محدوده تمام شوند. مسلماً هر اندازه بخواهیم اطمینان ما بالاتر رود می باید طول بافر را بیشتر لحاظ کنیم. مثلاً فرض کنید فعالیت های یک زنجیره از ۱ تا n همگی دارای توزیع نرمال، با میانگین μ_i و واریانس σ_i^2 باشند. و درصد اطمینان مورد دلخواه ما ۹۸٪ باشد یعنی این که بخواهیم اندازه بافر را طوری تعیین کنیم که در ۹۸٪ مواقع تأخیر های فعالیت های این زنجیره تأثیری در تکمیل پروژه نداشته باشد، می باید طول بافر را به اندازه تقریبی 2σ در نظر بگیریم σ معرف انحراف معیار کل زنجیره می باشد. برای محاسبه σ با توجه به قضیه حد مرکزی در مورد n متغیر تصادفی

مستقل و نیز با در نظر گرفتن این مطلب که مدت زمان فعالیت های زنجیره از یکدیگر مستقل هستند می توانیم از فرمول شماره (۳) استفاده کنیم:

$$3) \delta_{\Sigma} = \sqrt{\sum_{i=1}^n \delta_i^2}$$

حال با داشتن توزیع احتمال زمان هر یک از فعالیت ها می توانیم انحراف معیار زمان هر یک از فعالیت را بدست آوریم. اما چون در اغلب پروژه ها کارها غیر تکراری است و داده های تاریخی برای فعالیت ها در دسترس نمی باشد شکل دقیق نمودار تابع احتمال هرگز در دسترس نیست، ولی باید برای لحاظ کردن عدم قطعیت در مورد مدت زمان فعالیت ها پارامترهای لازم تخمین زده شوند. برای این منظور می توانیم از مفاهیم مطرح شده در روش پرت استفاده کرد، با این تفاوت که در روش پرت تابع توزیع مدت زمان فعالیت ها، توزیع بتا فرض می شود، در حالی که در این روش، تابع توزیع مدت زمان فعالیت ها بر اساس نظرات تصمیم گیرندگان در خصوص میزان وقوع هر یک از سه زمان (دیرترین زمان، زودترین زمان و متوسط زمان) بدست می آید. مراحل اجرای کار به شرح ذیل است:

الف) ابتدا جهت هر یک از فعالیت های پروژه، دیرترین زمان (tl)، زودترین زمان (ts) و متوسط زمان (tb) را از تصمیم گیرندگان سوال می کنیم.

ب) میزان وقوع هر یک از سه تخمین زمانی (دیرترین زمان، زودترین زمان و متوسط زمان) را در قالب یکی از سه حالت (بیشتر اوقات، معمولاً و بندرت) با ارزش های ۵ و ۲ و ۱ از تصمیم گیرندگان سوال می کنیم.

ج) جهت محاسبه زمان مورد انتظار هر فعالیت (te)، ابتدا حاصل ضرب اعداد بدست آمده از مراحل ۱ و ۲ را به تفکیک تصمیم گیرندگان محاسبه کرده و سپس میانگین هندسی آنها را بدست می آوریم. لازم به ذکر است که این زمان در برنامه نهایی بعنوان زمان فعالیت ها لحاظ می شود.

د) جهت محاسبه اندازه بافرها لازم است ابتدا انحراف معیار فعالیت های هر زنجیره (مسیر) محاسبه شود. همانطور که اشاره شد در روش پرت تابع توزیع مدت زمان فعالیتها، توزیع بتا فرض می شود و انحراف استاندارد برای این توزیع از طریق فرمول شماره (۴) بدست می آید:

$$4) \delta = \frac{t_p - t_o}{6}$$

اما از آنجایی که در روش پیشنهادی تابع توزیع مدت زمان فعالیت ها بر اساس نظرات تصمیم گیرندگان در خصوص میزان وقوع هر یک از سه زمان (دیرترین زمان، زودترین زمان و متوسط زمان) بدست می آید انحراف معیار فعالیت های هر زنجیره (مسیر) مطابق فرمول شماره (۵) محاسبه می گردد:

$$5) \delta = \frac{t_l - t_s}{6}$$

ه) همانطور که می دانیم برای دنباله ای از فعالیتها در یک مسیر، انحراف از معیار مسیر برابر مجذور مجموع مربعات هر یک از انحراف از معیار فعالیتها می باشد و این مقدار برابر اندازه بافر است که از فرمول شماره (۶) بدست می آید:

$$6) \delta_{\Sigma} = \sqrt{\sum_{i=1}^n \delta_i^2} = \text{اندازه بافر}$$

حال با فرض مستقل بودن زمان فعالیت ها از یکدیگر و همچنین با در نظر گرفتن تئوری حد مرکزی به این نتیجه می رسیم که مدت زمان کل مسیر دارای توزیع نرمال خواهد بود. از آنجایی که این مدت زمان برابر جمع زمان های تصادفی فعالیتها می باشد، در صورتی که اندازه بافر پروژه را به اندازه انحراف از معیار محاسبه شده برای کل مسیر تنظیم کنیم، احتمال تمام کردن کل کار همراه با مجموع بافرها تقریباً برابر ۸۴٪ می شود. افزایش اندازه بافر به میزان ۱/۵۶ برابر انحراف استاندارد، احتمال موفقیت را تا ۹۸٪ افزایش خواهد داد. به هرحال این مدیر پروژه است که وظیفه تصمیم گیری در مورد میزان درصد موفقیت را به عهده دارد.

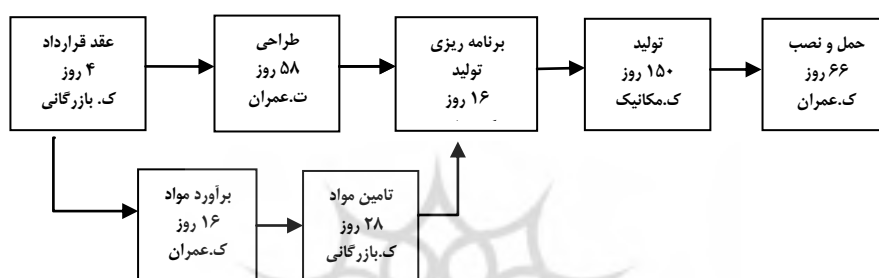
پس با داشتن انحراف از معیار زمان کل زنجیره و نیز میزان درصد مورد انتظار موفقیت که از طرف مدیر پروژه تعیین شده است می‌توان اندازه بافرها را تعیین کرد.

۳- نتایج و بحث

جهت ارزیابی روش پیشنهادی، زنجیره بحرانی جهت پروژه طراحی، ساخت و نصب سازه ای فولادی در شرکت سولیران مورد بررسی قرار خواهد گرفت و اندازه گیری بافرها بر مبنای دو روش اشاره شده در مقدمه و همچنین روش پیشنهادی محاسبه خواهد شد.

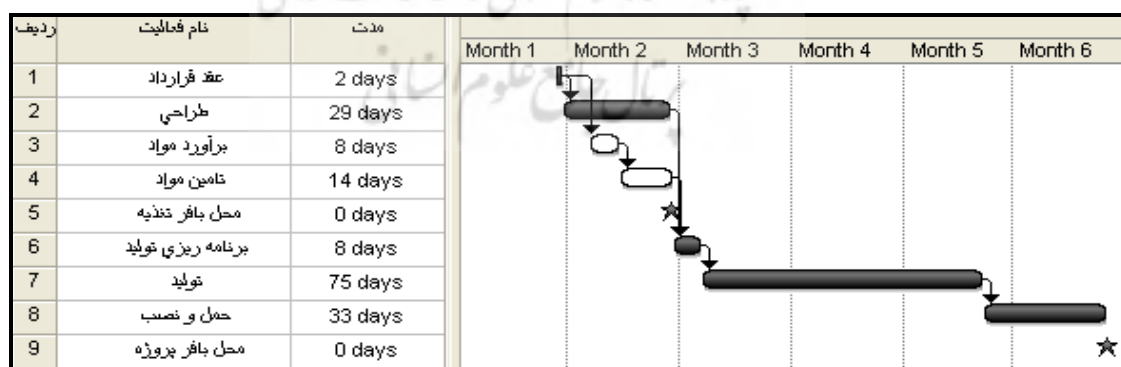
شرکت سولیران (سهامی عام) در سال ۱۳۴۰ (ش.ه) به عنوان اولین تولید کننده ساختمانهای فولادی در ایران تأسیس گردید. در حال حاضر عمده پروژه های این شرکت مربوط به طراحی، ساخت و نصب سازه های فولادی می باشد.

جهت پروژه مورد بررسی، نمودار شبکه ای حاوی مدت زمان فعالیت ها و منابع مورد نیاز در شکل شماره (۳) آورده شده است.



شکل شماره (۳): نمودار شبکه فعالیتها

چون زمان های ارائه شده از طرف کارشناسان حاوی مقدار زیادی زمان احتیاطی است، با توجه به نظر گلدت مبنی بر کاهش نصف زمان ارائه شده، برنامه اولیه بدست آمده است و نیز در این برنامه کلیه فعالیتها در دیرترین فاصله ممکن زمان بندی شده اند. جهت تعیین زنجیره بحرانی می باید ابتدا شنواری فعالیتها را محاسبه کنیم. این کار با محاسبه زودترین و دیرترین زمان ممکن شروع فعالیتها صورت می گیرد. حال می توان زنجیره بحرانی و همچنین محل قرار گرفتن بافرها را در شکل شماره (۴) مشاهده نمود.



شکل شماره (۴): زنجیره بحرانی و محل قرار گرفتن بافرها

توضیح: در نمای فوق باکسهای سیاه معرف زنجیره بحرانی و باکسهای سفید رنگ معرف زنجیره غیر بحرانی است.

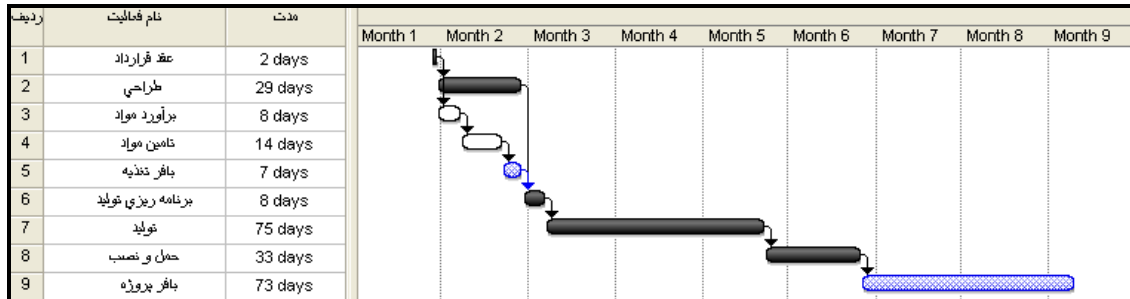
- محاسبه اندازه بافر به روش بریدن و چسباندن

در این روش طول بافرها برابر نصف طول زنجیره منتهی به آنها تنظیم می شود. پس خواهیم داشت:

$$۷۳ \approx ۷۳.۵ = (۱۴۷ \div ۲) = \text{طول بافر پروژه}$$

$$۱۱ = (۲۲ \div ۲) = \text{طول بافر تغذیه}$$

اگر اندازه بافر تغذیه از زمان شناوری زنجیره غیربحرانی طولانی تر باشد اندازه بافر تغذیه به اندازه شناوری تعدیل می شود. در این مثال شاهد چنین مسأله ای هستیم، یعنی به دلیل آنکه زمان شناوری ۷ روز است پس بافر تغذیه از ۱۱ روز به ۷ روز تعدیل پیدا می کند. جایگذاری بافرها در برنامه زمان بندی نهایی در شکل شماره (۵) زیر مشخص شده است.



شکل شماره (۵): برنامه زمانبندی نهایی به روش بریدن و چسباندن

محاسبه اندازه بافر به روش ریشه مربع خطا

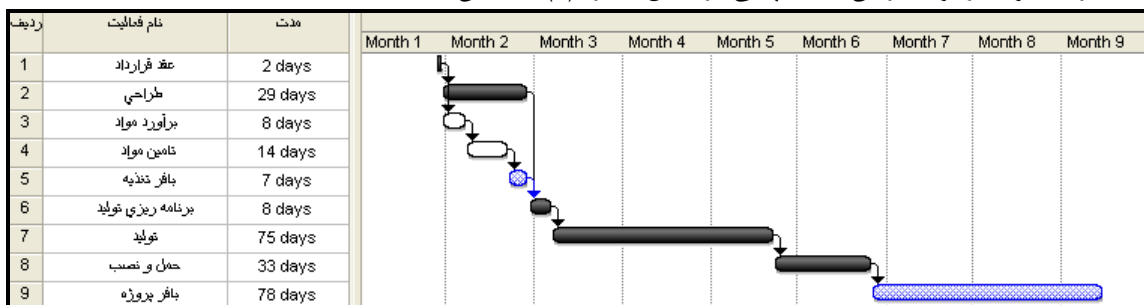
در این روش، برای هر زنجیره از فعالیتها ارزشهای خطای U_i های هر فعالیت جهت محاسبه یا میزان بافر مورد نیاز زنجیره مورد استفاده قرار می گیرند، پس اندازه هر یک از بافرها در جدول شماره (۱) آورده شده است. جدول شماره (۱): اندازه بافر هر یک از فعالیتها

$\hat{\sigma}_i$	شرح فعالیت	زمان (روز)		U^2	$U=S-d$
		متوسط d	دیرترین S		
۱	عقد قرارداد	۲	۴	۴	۲
۲	طراحی	۲۹	۵۸	۸۴۱	۲۹
۳	برآورد مواد	۸	۱۶	۶۴	۸
۴	تامین مواد	۱۴	۲۸	۱۹۶	۱۴
۵	برنامه ریزی تولید	۸	۱۶	۶۴	۸
۶	تولید	۷۵	۱۵۰	۵۶۲۵	۷۵
۷	حمل و نصب	۳۳	۶۶	۱۰۸۹	۳۳

$$\text{طول بافر پروژه} = \sqrt{4+841+64+5625+1089} = 78.3 \approx 78$$

$$\text{طول بافر تغذیه} = \sqrt{64+196} = 16.12 \approx 16$$

یادآوری: زمان شناوری ۷ روز است پس بافر تغذیه از ۱۶ روز به ۷ روز تعدیل پیدا می کند. جایگذاری بافرها در برنامه زمان بندی نهایی در شکل شماره (۶) مشخص شده است.



شکل شماره (۶): برنامه زمانبندی نهایی به روش ریشه مربع خطا

- محاسبه اندازه بافر به روش پیشنهادی

همانگونه که در قبل ذکر شد، ابتدا جهت هر یک از فعالیت های پروژه، دیرترین زمان (tl)، زودترین زمان (ts) و متوسط زمان (tb) و همچنین میزان وقوع هر یک از سه تخمین زمانی را با ارزش های ۵ و ۲ و ۱ از تصمیم گیرندگان سوال می کنیم. جهت محاسبه زمان مورد انتظار هر فعالیت (te)، ابتدا حاصل ضرب اعداد بدست آمده از مراحل ۱ و ۲ را به تفکیک تصمیم گیرندگان محاسبه کرده و سپس میانگین هندسی اعداد را بدست می آوریم. (جدول پیوست ۱)

ردیف	شرح فعالیت	زمان (روز)			میانگین زمان (te)	واریانس
		زودترین زمان	متوسط زمان	دیرترین زمان		
۱	عقد قرارداد	۱	۲	۴	۲	۰/۲۵
۲	طراحی	۲۸	۳۸	۵۸	۴۴	۰/۲۵
۳	برآورد مواد	۵	۸	۱۶	۷	۳/۳۶
۴	تأمین مواد	۱۱	۱۸	۲۸	۲۲	۸/۰۲
۵	برنامه ریزی تولید	۵	۸	۱۶	۷	۳/۳۶
۶	تولید	۹۳	۱۲۶	۱۵۰	۱۳۱	۹۰/۲۵
۷	حمل و نصب	۳۳	۴۶	۶۶	۴۵	۳۰/۲۵

جدول شماره (۲): واریانس هر یک از فعالیتهای زنجیره بحرانی

با توجه به مطالب ذکر شده و با در نظر گیری ۹۸٪ احتمال موفقیت پروژه، میزان بافر پروژه به صورت زیر بدست می آید (گام ۵):

$$\delta_{\Sigma} = \sqrt{\sum_{i=1}^n \delta_i^2} = \sqrt{.25 + 25 + 3.36 + 90.25 + 30.25} = 12.21$$

$$\text{اندازه بافر پروژه} = \delta_{\Sigma} * 2 = 12.21 * 2 = 24.42 \approx 24$$

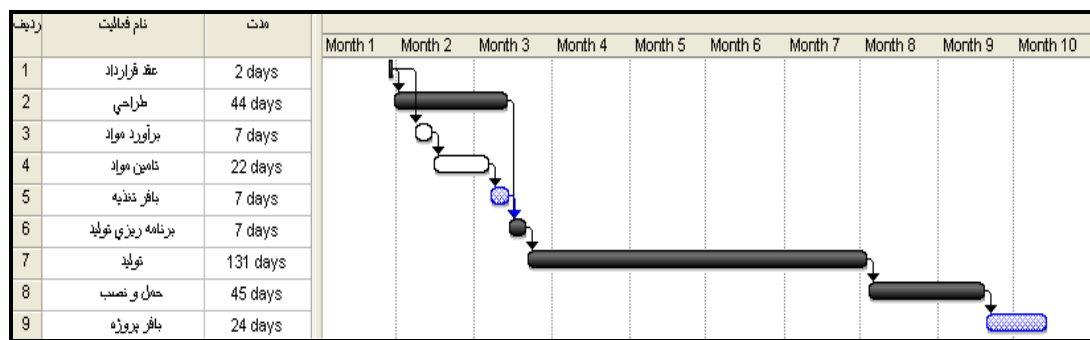
جهت محاسبه اندازه بافر تغذیه، مطابق بافر پروژه عمل می کنیم:

با در نظر گیری ۹۸٪ احتمال موفقیت پروژه، میزان بافر تغذیه به صورت زیر بدست می آید:

$$\delta_{\Sigma} = \sqrt{\sum_{i=1}^n \delta_i^2} = \sqrt{3.36 + 8.02} = 3.37$$

$$\text{اندازه بافر تغذیه} = \delta_{\Sigma} * 2 = 3.37 * 2 = 6.74 \approx 7$$

یادآوری: با توجه به آنچه گفته شد، در این روش زمان فعالیتها در برنامه زمان بندی نهایی همان زمانهای میانگین (te) هر فعالیت می باشد. جایگذاری بافرها در برنامه زمان بندی نهایی در شکل شماره (۷) شده است.



شکل شماره (۷): برنامه زمانبندی نهایی به روش پیشنهادی

در پروژه مورد بررسی از مجموع ۷ فعالیت مشخص شده، ۵ فعالیت (عقد قرارداد، طراحی، برنامه ریزی تولید، تولید و حمل و نصب) به عنوان فعالیت‌های زنجیره بحرانی و ۲ فعالیت (تهیه لیست مواد مصرفی و تدارک مواد) به عنوان فعالیت‌های زنجیره غیر بحرانی شناخته شدند. همچنین اندازه بافرهای پروژه و تغذیه به ترتیب: بر اساس روش بریدن و چسباندن برابر ۷۳ و ۱۱ روز، براساس روش ریشه مربع خطا برابر ۷۸ و ۱۶ روز و در نهایت براساس روش پیشنهادی و با در نظر گرفتن ۹۸٪ اطمینان برابر ۲۳ و ۶ روز بدست آمد. در این دو روش به دلیل آنکه مقادیر بافر تغذیه از میزان شناوری بیشتر بود، اندازه بافر تغذیه از مقادیر ذکر شده به میزان شناوری یعنی ۷ روز تعدیل گردید. همچنین به دلیل عدم وجود تداخل و محدودیت در منابع، نیاز به استفاده از بافر منبع تشخیص داده نشد. نتایج حاصل مبین آنست که تعیین اندازه بافر به روش پیشنهادی در مقایسه با دو روش مذکور بافرهای کوچک تر و با محافظت کافی در برابر تأخیرها در زمان انجام پروژه ایجاد می کند. لازم به ذکر است روش پیشنهادی در پروژه هایی که طولانی بوده و در عین حال تعداد محدودی فعالیت دارند کارایی بیشتری دارد.

۴- منابع

- 1- Correia, F., A & Abreu, A. 2011. An Interview of Critical Chain Applied to Project Management. Proceedings of the 4th International Conference on MEQAPS.
- 2- Elmaghraby, S. E., Herroelen, W., S., & Leus, R. 2003. Note on the Paper Resource-Constrained Project Management Using Enhanced Theory of Constraints. Journal of Project Management. 21:4.301-305.
- 3- Fallah, M., Ashtiani, B., & Aryanezhad, M. 2010. Critical Chain Project Scheduling: Utilizing Uncertainty for Buffer Sizing. International Journal of Research and Reviews in Applied Sciences. 3:3.
- 4- Ghanimi, G. 2004. Critical Chain Scheduling and Buffer Management. Master Dissertation. Industrial Engineering Department, Sharif University. p:127.
- 5- Goldratt, E.M. 1997. Critical Chain. North River Press, Massachusetts.
- 6- Herroelen, W.S., Leus, R. 2001. On the Merits and Pitfalls of Critical Chain Scheduling. Journal of Operation Management 19: 559-577.
- 7- Herroelen, W.S., Leus, R., 2004. Robust and Reactive project scheduling: A Review and Classification of Procedures. International Journal of Production Research. 42:8.1599-1620.
- 8- Herroelen, W.S., Leus, R., Demeulemeester, E.L. 2002. Critical Chain Project Scheduling- Do not Oversimplify. Project Management Journal. 33:4.46-60.
- 9- Leach, L.P. 2005. Critical Chain Project Management. Boston: Artech House.
- 10- Newbold, R. C. 1998. Project Management in the Fast Lane: Applying the Theory of Constraints. New York: St. Lucie Press.

- 11- Rand, G. K., 2000. Critical Chain: Theory of Constraints Applied to project Management. International Journal of Project Management. 18:3.173-177.
- 12- Tukel, O.I., Rom, W.O., & Eksioglu, S. D. 2004. An Investigation of Buffer Sizing Techniques in Critical Chain Scheduling. European Journal of Operational research.
- 13- Xiao-ping, & Yang Pan, Gao. 2011. A Quantitative Research of the Time Buffer of Critical Chain Project Management. International Conference on E-Business and E-Government (ICEE).



پیوست - جدول محاسبه زمان مورد انتظار فعالیت‌ها (te)

زمان مورد انتظار فعالیت (روز)	میزان وقوع * زمان	میزان وقوع زمانها			زمان (روز)			تصمیم گیرندگان	فعالیت
		دیرترین	متوسط	زودترین	دیرترین	متوسط	زودترین		
۲	۲	۱	۵	۲	۵	۲	۱	DM1	عقد قرارداد
	۲	۲	۵	۱	۴	۲	۱	DM2	
	۲	۱	۵	۲	۴	۲	۱	DM3	
					۴	۲	۱		
۴۴	۳۸	۲	۵	۱	۵۲	۳۵	۲۵	DM1	طراحی
	۴۶	۲	۵	۱	۷۰	۴۰	۳۰	DM2	
	۴۷	۵	۲	۱	۵۴	۳۸	۳۰	DM3	
					۵۸	۳۸	۲۸		
۷	۷	۱	۲	۵	۱۵	۸	۵	DM1	برآورد مواد
	۸	۱	۵	۲	۱۵	۸	۴	DM2	
	۸	۱	۲	۵	۱۷	۹	۵	DM3	
					۱۶	۸	۵		
۲۲	۲۱	۵	۲	۱	۲۵	۱۶	۱۹	DM1	تامین مواد
	۲۰	۲	۵	۱	۳۰	۱۷	۱۲	DM2	
	۲۵	۵	۲	۱	۳۰	۲۰	۱۰	DM3	
					۲۸	۱۸	۱۱		
۷	۷	۱	۲	۵	۱۵	۸	۵	DM1	برنامه ریزی تولید
	۹	۱	۲	۵	۱۸	۱۰	۶	DM2	
	۶	۱	۲	۵	۱۴	۷	۴	DM3	
					۱۶	۸	۵		
۱۳۱	۱۳۷	۵	۲	۱	۱۵۰	۱۲۵	۹۵	DM1	تولید
	۱۴۰	۲	۵	۱	۱۶۰	۱۴۰	۱۰۰	DM2	
	۱۱۸	۲	۵	۱	۱۴۰	۱۱۵	۸۵	DM3	
					۱۵۰	۱۲۶	۹۳		
۴۵	۴۴	۱	۵	۲	۶۵	۴۵	۳۰	DM1	حمل و نصب
	۵۴	۱	۵	۲	۷۵	۵۵	۴۰	DM2	
	۴۰	۱	۵	۲	۶۰	۴۰	۳۰	DM3	
					۶۶	۴۶	۳۳		